

بختک اقتصاد بیمار روی تن فرهنگ

■ معصومه طاهری

بعسد از دهه ۷۰ رسانه‌ها در سطح عام شروع به سلب‌ریتی‌سازی کردند. این چهره‌سازی‌ها البته تا اوایل دهه ۸۰ روند طبیعی خود را داشت اما از اواسط دهه ۸۰ با برخی برنامه‌های تلویزیونی همچنن موج همایش‌ها و جشن‌های ارگان‌ها و سازمان‌ها خیزی بزرگ را تجربه کرد، خیزی که قسمتی از آن متأثر از افزایش جمعیت در شهرها بود و برخی اتفاقات باعث شد تا این چهره‌سازی‌های صنعت رسانه‌ای به نوعی کسب و کار تبدیل شود و الگوهایی که رسانه برای جامعه ساخته بود از خواننده گرفته تا بازیگر و مجری برای حضور در برنامه‌های مختلف ارقام نجومی بگیرند و آن را حق خود هم تلقی کنند! لذا در شرایطی که فرهنگ و فعالان فرهنگی متأثر از فضای اقتصادی کشور وضعیت خوبی ندارند کالبدشکافی چنین هزینه‌گردهایی به نظر ضروری می‌آید و این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که این فرهنگ بیمار گونه از کجا آمده است؟

واقع مطلب آن است که بیماری پول‌افشانی برای چهره‌های مشهور و سلبریتی مدت‌هاست بدجور گریبانگیر فضای فرهنگی و مسئولان فرهنگی کشور شده است. اوایل دهه ۸۰ با مبالغ کمی می‌شد یک بازیگر یا خواننده یا چهره مشهوری را برای برنامه‌ای دعوت کرد اما کم‌کم توجه بیش از اندازه به سلبریتی‌ها باعث شد تا پدیده‌رقم‌های نجومی این طیف مانند دمل چرک‌پیک در عرصه فرهنگ رشد کند. به گونه‌ای که در اکثر مواقع در خواست رقم‌های بالای مجریان، بازیگران و چهره‌های ورزشی (در کنار حقوق‌های خودشان) بسبیل تعجب برانگیز است. در این میان مدیران برنامه‌ها و حتی نشرکت‌های واسطه هم دلالی کار را به عهده گرفته‌اند؛ چنانچه فضای فرهنگی را به بازار مکارمی چون بنگاه‌داران مسکن تبدیل کرده‌اند که عرضه و تقاضای مالی، اهمیت آن را بیشتر از تأثیر گذاری فرهنگی می‌کند و متأسفانه رقم‌های نجومی دریافتی این افراد مشهور رسانه‌ای حالا عادی شده است آن هم در این روزگار سخت اقتصادی از چنین افرادی که یکتربین رسانه هستند انتظار می‌رود با مردم همنوایی کنند. اینکه تنها با شاعرهای دهان پرکن در فضای مجازی یا حقیقی خودی نشان بدهند.

اشرافگیری نوعی دارد که یکی از آن همین حیف و میل بیت‌المال توسط مدیران ناکارآمد فرهنگی سازمان‌ها و ارگان‌ها و این باصطلاح ویتربین‌های رسانه‌هاست؛ مدیرانی که برای چاپ یک پوستر یا تشریق یک سایت مؤثر و گروه جهادی آتش به اختیار فرهنگی که ممکن است تنها به دلیل عدم حمایت مالی از صحنه نبرد در جنگ نبرد حذف هیچ وقت ملذرا نکرده و هم‌راهی نمی‌کنند اما همین آقایان برای یک همایش ساده دهها میلیون تومان به مجریان و مهمان دعوت شده می‌دهند؛ آن هم مجری و مهمانی که گاه کارمند رسمی صدواسپه‌است یا نانشر ازان شعار ساده‌زبستی می‌خورد و در این پروسه معیوب ششورای عالی انقلاب فرهنگی در عالی‌ترین سطح و صدواسپه‌ما در رده‌ای پایین‌تر مقصر هستند. تلویزیون که معرفی و حمایت از آتش به اختیارهای جنگ نرم را بدون پول به عهده می‌گیرد چرا قادر نیست بزرگ کردن چند مجری و بازیگر را که توسط خودش اعتبار و آبرو پیدا کرده‌اند مدیریت و مهندسی کند؟! به‌راستی این ولنگار بیسم در پرداخت‌ها برای کسانی که رزیده و بزرگ شده یک سیستم هستند کجا و کی قرار است کنترل شود؟! متأسفانه این ریخت و پاش از بیت‌المال برای سلبریتی‌ها چنان عادی شده است که وقتی به این افراد در رابطه با این نوع سبک زندگی اشرفی و غیر مدهه است تذکر می‌دهیم فوراً در بیات‌های سایرین را به رخ می‌کشند و می‌گویند ما هم برای اینکه به چنین جایگاهی برسیم زحمت کشیدیم و تازه خیلی کمتر از آنها می‌گیریم!

در این مازان ولخرجی از کیسه بیت‌المال که زمانی بسیار حساس و دقیق بود تا ماباداریالی اضافه‌از آن بی‌جهت هدر برد گاهی برخی از استدلال‌ها انسان را به یاد توجیهاتی که اقوام گذشته در طول تاریخ داشته‌اند و در قرآن هم از باب تذکر آورده شده است می‌اندازد. امید است حداقل مجریان و چهره‌هایی که به واسطه شبکه قرآن و سازمان اوقاف شناخته شده‌اند و برای مردم در حکم الگو و مرجع قرار می‌گیرند به آنچه در قرآن می‌خوانند عمل کنند.

فرهنگ‌و هنر

سرویس فرهنگی ۸۸۹۸۴۶۶

هزارپایی که این بار روانه خانه‌های مردم شد

با انفعال وزارت ارشاد چگالی بی حرمتی‌ها در نسخه جدید هزار پا بیشتر شده است



فیلمساز پیشکسوت ما سینمای کمدی را به شدت به سخره گرفته است که با تک سکانس‌های بی‌سروشکل توفع دارد مخاطب را بخنداند و البته مخاطب‌های عام می‌خندند، زیرا فرهنگ سینمای کمدی ما در همین حد فیلم‌ها در شبکه خانگی کوتاه‌تر شوند اما هزار پا بر خلاف چارچوب‌های مرسوم در توزیع خانگی اش اضافه شده است، حالا در این نسخه خانگی چگالی بی‌حرمتی‌ها و سستیف بودن فیلم به حد اعلا رسیده است این در شرایطی است که تعداد بیشتری در مقایسه با تعداد تماشاگران سینما این فیلم را در خانه می‌بینند، اینکه مسئولان ارشاد در زمان اکران اجازه نمایش چند سکانس را ندادند و حالا این فیلم در شبکه خانگی به کامل‌ترین شکل ممکن توزیع شده جای سؤال و البته تعجب دارد.

فیلمساز پیشکسوت ما سینمای کمدی را به شدت به سخره گرفته است که با تک سکانس‌های بی‌سروشکل توفع دارد مخاطب را بخنداند و البته مخاطب‌های عام می‌خندند، زیرا فرهنگ سینمای کمدی ما در همین حد فیلم‌ها در شبکه خانگی کوتاه‌تر شوند اما هزار پا بر خلاف چارچوب‌های مرسوم در توزیع خانگی اش اضافه شده است، حالا در این نسخه خانگی چگالی بی‌حرمتی‌ها و سستیف بودن فیلم به حد اعلا رسیده است این در شرایطی است که تعداد بیشتری در مقایسه با تعداد تماشاگران سینما این فیلم را در خانه می‌بینند، اینکه مسئولان ارشاد در زمان اکران اجازه نمایش چند سکانس را ندادند و حالا این فیلم در شبکه خانگی به کامل‌ترین شکل ممکن توزیع شده جای سؤال و البته تعجب دارد.

فیلمساز پیشکسوت ما سینمای کمدی را به شدت به سخره گرفته است که با تک سکانس‌های بی‌سروشکل توفع دارد مخاطب را بخنداند و البته مخاطب‌های عام می‌خندند، زیرا فرهنگ سینمای کمدی ما در همین حد فیلم‌ها در شبکه خانگی کوتاه‌تر شوند اما هزار پا بر خلاف چارچوب‌های مرسوم در توزیع خانگی اش اضافه شده است، حالا در این نسخه خانگی چگالی بی‌حرمتی‌ها و سستیف بودن فیلم به حد اعلا رسیده است این در شرایطی است که تعداد بیشتری در مقایسه با تعداد تماشاگران سینما این فیلم را در خانه می‌بینند، اینکه مسئولان ارشاد در زمان اکران اجازه نمایش چند سکانس را ندادند و حالا این فیلم در شبکه خانگی به کامل‌ترین شکل ممکن توزیع شده جای سؤال و البته تعجب دارد.

مدیر بخش بین‌الملل نمایشگاه کتاب تهران از حضور سه آژانس ادبی از کشورهای اسپانیا و ترکیه در بخش بازار جهانی نمایشگاه‌سی‌ووم‌دوم‌دوم احمد شاکری، مدیر بخش بین‌الملل نمایشگاه کتاب تهران در گفت‌وگو با تسنیم، با اشاره به ثبت‌نام ۱۴ کشور با نمایشگاه کتاب تهران گفت: چین، ژاپن، آلمان، هند، تریش، کره‌جنوبی، سوریه، روسیه، افغانستان و... از جمله کشورهای تسنیم، با اشاره به ثبت‌نام ۱۴ کشور با نمایشگاه کتاب تهران گفت: چین، ژاپن، آلمان، هند، تریش، کره‌جنوبی، سوریه، روسیه، افغانستان و... از جمله کشورهای تسنیم، با اشاره به ثبت‌نام ۱۴ کشور با نمایشگاه سسی‌ووم‌دوم‌دوم خواهند بود. وی ادامه داد: ۱۰ نهاد در بازار جهانی نمایشگاه سسی‌ووم‌دوم حضور دارند، به طور همچنین با اشاره به عنوان مهمان ویژه سه آژانس ادبی داخلی و نمایندگان ۷۸ ناشر از کشور چین به عنوان مهمان ویژه نمایشگاه کتاب گفت: برنامه‌های برای روز کشور‌های مختلف در نظر گرفته‌ام که از روز کشور مهمان شروع و تا ادبیات مقاومت که شامل برنامه‌های ویژه‌ای است، ادامه خواهد داشت. وی از دعوت از چهار رئیس نمایشگاه بین‌المللی کتاب

در کشور‌های مختلف خبر داد و با اشاره به دوره‌های مهمان گفت: در ترکیب بورسیه‌های مهمان پیشنهادهای مختلفی را از افرادی که در این حوزه هستند، دریافت کردیم. آژانس‌های ادبی مختلفی که به ترویج و گسترش نشر و کتاب ایرانی کمک می‌کنند، در این لیست وجود داشتند که در نهایت از بین ۲۵ پیشنهادرسیده، ۱۰ گزینه انتخاب شدند که در میانشان سه آژانس ادبی هم از کشورهای اسپانیا و ترکیه حضور دارند. شاکری با اشاره به تصمیم گرفته‌شده در سال گذشته بازار جهانی فضای مشخصی داشت که در این فضا ناشران از فضاهای مشابه استفاده می‌کردند و به صورت متمرکز دیده می‌شدند، اما امسال با مشورتی که با ناشران و آژانس‌های ادبی داشتیم، تمایل بر این بود که استقلال عمل بیشتری داشته باشند، بر همین اساس تصمیم گرفتیم در بخشی از فضای اصلی بخش بین‌الملل که نزدیک به غرقه مهمان ویژه است، فضاهای شش تا ۹ متری را اختیار این آژانس‌ها و ناشران فعال ایرانی در حوزه بین‌الملل و طرح‌های حمایتی از کتاب ایرانی «تاب» و «گرت» قرار دهیم.

یک توهین بزرگ به جانبازان است، چرا که چنین مکانی مصداق واقعی ندارد و نکته فاجعه برانگیز تر که مدیر آسایشگاه جانبازان است که چرا به این اندازه عقب افتاده و الکن است که سریع در دام می‌افتد و در سکانس‌های آخر آن دیالوگ‌های مستهجن دو پهلو را می‌گوید! این شوخی با خانواده شهید محسوب نمی‌شود؟ چرا برای رسیدن به پول حاضر به انجام هر کاری می‌شویم، رقص با پای مصنوعی می‌شود شاه سکانس فیلم، فاجعه انگیز تر از این هم مگر داریم؟

در برهه عیبی قرار گرفتیم که ارزش‌ها دیگر برای برخی به ظاهر هنرمندان مهم نیستند. حالا می‌شود با همه چیز شوخی کرد حتی با جانباز، بسجی و مفقودالتر. چگونه‌به آنگندگان از ارزش‌های مقدس حرف بزیم در شرایطی که پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای کشورمان هزار پاست؛ فیلمی که اساساً سستیف و لمن است. می‌گویند در شرایط بد اقتصادی قرار گرفتیم که فیلمی مثل هزار پا می‌تواند مردم را کمی شاد کند اما واقعاً این فیلم رامی‌شود با خانواده تماشاگر؟ فیلمی که ملغمه‌ای از دیالوگ‌های جنسی و موقعیت‌های اروتیک است؟ تمامی دیالوگ‌های این فیلم بر اساس شوخی‌های کف خیابان نوشته شده است فارغ از کمی نگرش انسانی. در این میان وظیفه سینما و فرهنگ چه می‌شود؟ چگونه به نسل جدید بگوییم که هزار پا سستیف و مبتذل است و بچه‌های جانباز، شان و منزلت گرانبهایی دارند، هزار پا یک اثر ضدجنگ است که تلاش کرده است مقوله جنگ را به شوخی بکشد. این همه سال فیلمسازان دفاع مقدس سعی کردند قسمتی از واقعه جنگ را به تصویر بکشند تا نسل‌های بعدی جنگ و آدم‌های جنگ را درک کنند اما هزار پا به دلیل سرمایه‌اندوزی تصویری دروغ به مخاطب سینما نشان می‌دهد که حتماً عواقب ناخوشایندی در آینده خواهد داشت.



بازدید نمایندگان مناطق کردنشین از پشت صحنه سریال «ن.خ»

جمعی از نمایندگان مناطق کردنشین روز گذشته با حضور در پشت صحنه سریال «ن.خ» به کارگردانی سعید آقاخانی در جریان ساخت این مجموعه نوروزی قرار گرفتند. به گزارش فارس، سریال «ن.خ» که در حال حاضر در لوکیشنی حوالی مهرآباد تصویربرداری می‌شود بناسند در ایام نوروز از شبکه یک سیما پخش شود. پیش از این سعید آقاخانی درباره این اثر گفته بود: این سریال فضای جدیدی دارد و بخشی از آن در کردستان می‌گذرد و کار جذابی برای نوروز مردم خواهد بود. ضمن اینکه این بار خلاف همیشه لودیگی در طنزمان دیده می‌شود. این کارگردان درباره استفاده از لهجه در این سریال نیز بیان داشت: ما وارد منطقه و فرهنگ متفاوتی شدیم که تا به حال در تلویزیون دیده‌نشده است. لوکیشن‌ها و خیابان‌های تهران و ارتباطات وزبان آن تکراری شده و ما سعی کردیم متفاوت عمل کنیم. وی با اشاره به نقشی که در این سریال بازی می‌کند نیز گفت: من در این سریال نقش نورالدین خاتزاده کاراکتر اصلی این سریال را بازی می‌کنم که مخفف آن (ن.خ) می‌شود. وی با اشاره به اعتراض‌های وارده بعد از پخش سریال نیز افزود: فکر نکنم اعتراضی متوجه ما باشد. خودم کرد زبان هستم و بازیگرهایمان نیز کرد هستند و به خوبی پس بر گردیدگان جایزه شهید اندرزگو در آیین سالانه اهدای این جایزه معرفی و تحلیل خواهند شد و به بر گردیدگان، علاوه بر جوایز نقدی، معنوی و فرهنگی، لوح یادبود و نشان جایزه شهید سیدعلی اندرزگو اهدا می‌شود.

فراخوان جشنواره ادبی «روایت انقلاب» منتشر شد

مجمع ناشران انقلاب اسلامی، فراخوان جشنواره ادبی «روایت انقلاب» را منتشر کرد.

اولین دوره این جشنواره با نام «جایزه مردمی و ادبی شهید سیدعلی اندرزگو» با محوریت «مبارزه ادبی با تحریف تاریخ معاصر» و «بیان حقایق و روشنگری درباره رژیم پهلوی» در قالب داستان بلند، رمان و شعر بزرگسال، داستان کودک و نوجوان و روایت تاریخ بر گزار می‌شود. مهلت آثار بل به این جشنواره تا پانزدهم اردیبهشت ۹۸ اعلام شده است. پوستر فراخوان این جشنواره اخیراً با حضور چهره‌های همچون حجت‌الاسلام دکتر رضا غلامی، حجت‌الاسلام محمود داعی، حجت‌الاسلام علیرضا سبحانی نسب، حجت‌الاسلام سیدمحمد پورطباطبایی، نادر قدیانی، رحیم مخدومی، غلام‌رضا حسینی، علی‌اکبر تورتبانیان و مہتمن نیلی در همایش «صنعت نشر در دهه پنجم انقلاب اسلامی» رونمایی شد. این جشنواره به همت مجمع ناشران انقلاب اسلامی و با حمایت و همکاری مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بنیاد فرهنگی خاتم‌الوصیاء، انجمن قلم ایران، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، حوزه هنری انقلاب اسلامی و مؤسسه فرهنگی شهرستان خود را خواهد شناخت. نخستین دوره جایزه مردمی و ادبی «شهید سیدعلی اندرزگو» در شهریور سال ۱۳۹۸ بر گزار می‌شود. دبیر خانه

جایزه از تمامی نویسندگان، مترجمان و ناشران در سه گروه «۱- داستان بلند، رمان و شعر بزرگسال ۲- داستان کودک و نوجوان و ۳- روایت تاریخ» دعوت می‌کند. آثار ادبی خود را در رونمایه «مبارزه ادبی با تحریف تاریخ معاصر» و «بیان حقایق و روشنگری درباره رژیم پهلوی» به دبیر خانه جایزه شهید سیدعلی اندرزگو ارسال نمایند. همه آثار تولیدی اعم از نشر و بازنشر در سال‌های ۹۶، ۹۷ و ۹۸ که دارای درونمایه منظر جایزه باشند، می‌توانند در این جایزه شرکت کنند. پدیدآورندگان باید دو نسخه از آثار خود را تا نیمه اردیبهشت ۱۳۹۸ به دبیر خانه جایزه به نشانی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ارسال نمایند. زمان برگزاری جایزه، شهریور سال ۹۸ هم‌زمان با ایام شهادت شهید سیدعلی اندرزگو خواهد بود. زمان دقیق و محل برگزاری جایزه متعاقباً اعلام می‌شود. بر گردیدگان جایزه شهید اندرزگو در آیین سالانه اهدای این جایزه معرفی و تحلیل خواهند شد و به بر گردیدگان، علاوه بر جوایز نقدی، معنوی و فرهنگی، لوح یادبود و نشان جایزه شهید سیدعلی اندرزگو اهدا می‌شود.



فرهنگی مشترک برای همه ملل

■ حسن روانشید*

آغاز هر فصلی در ملل جهان رنگ و بسوی ویژه خود را دارد که البته بستگی مستقیم با آداب و سنن و آیین آن قوم داشته و حس گرم و سرد وجودشان به ایجاد آن در زمانی مشخص انجامیده است. اگرچه فصل بهار در همه دنیا با نوید زندگی نو در قالب احساس عجین است اما بعضی از اقوام در اروپا فصل زمستان را برای ششروعی تازه بیشتر ترجیح می‌دهند اما اسمیل‌ها نیز همین گونه ساخته شده است؛ زیرا عمو نوروز یا ننه سرما با رفتن زمستان برای خداحافظی سراغ مردمی می‌آیند که آماده ورود به بهار هستند، در حالی که بابائونل با آغاز زمستان همخانه کسانی می‌شود که این فصل را سراغ از عید خود می‌دانند. نوروز یا آغاز بهار سال شمسی با اسمیل عمو نوروزش شناخته می‌شود که یکی از نمادهای آن در فولکلوریک فارس در وسعت ایران قدیم است و هم‌اکنون به دهها کشور تبدیل شده اما سنت‌های آن همچنان باقی است و در جامعه در نقش حاجی فیروز ظاهر می‌شود شب‌های آغاز این دهه بهاری حامل هدیه برای بچه‌هایی است که آن را در بی‌ایقت عیدی از بزرگ‌ترهایی ارتباط نمی‌دانند. از ویژگی‌های عمو نوروز می‌توان به زلف و ریش سفید یا حنا گذاشتن آن و کلاهی نمدی و کمربندی ابریشمی آن رنگ و همچنین شالی سفید، شالوری گشاد و گیوه‌های تخت نازک اشاره نمود که از دل کوه‌ها و از میان برف سفید عصابه‌دست به‌سوی شهرها و روستاها می‌آید و همچنان ایخند به لب دارد. استادان میر جلال کزازی می‌گویند: «اگر از من بپرسید که بابائونوز نماد چیست من به شما پاسخ می‌دهم که از نظر من بابائونوز، نماد زمان و به‌گونه‌ای یادآور «زوان» باستانی یا «زال» شاهنامه فردوسی است از این‌روست که پیری است بسیار سالخورده و گیسوان و ریشی بلند و انبوه و سفید که بانوی او ننه سرماست، چون او تنها یکبار در سال و در شب بازمی‌سپال این کهن بابائونوز را می‌بیند. پاسخ این پرسش آن است که با آمدن بابائونوز، ننه سرما به‌راستی به پایان زندگی خود می‌رسد، تو می‌گویی که دیدار با شوی گریزی‌ها برای او هم‌راه است با فرجام زندگی با مرگ و این دیدار، به‌بداری است مرگ آندود. «افسانه بابائونوز ننه سرما داستانی نمادین از گذر سرما و آمدن بهار در سال نو است که شباهت به فصل امیدهای تازه نیست. اما از سوی دیگر آغاز فصل زمستان است که نمادی دیگر در فرهنگ غرب است. نام بابائونل یا جشن زمستانی کریمس و تولد حضرت عیسی مسیح (ع) در آمیخته اما این اسمیل‌ها برای پیر مرد چاق با ریش سفید و بلند و لباس قرمز است که معمولاً یک کیسه پر از هدایا به همراه دارد و روز یا شب کریمس برای بچه‌ها سوغات می‌آورد. این باور وجود دارد که بابائونل بچه‌ها را به دسته‌های خوب و بد تقسیم می‌کند و برای کودکانی که رفتار نامناسبی در طول سال داشته‌اند هدایایی می‌آورد و همچنین داستانی وجود دارد مبنی بر اینکه این هدایا در کارگاه اسباب‌بازی‌سازی بابائونل در قطب شمال ساخته می‌شوند. در کشور‌های انگلیسی‌زبان به این شخصیت خیالی «انتانتا کلاوز» یا پدر کریمس، که برگرفته از کتیبه مسیحی نیکلاس قدیس است، گفته می‌شود. آنچه در این زمینه بیش از همه قابل توجه و تأمل است، اسمیل عمو نوروز است که تاریخی بس طولانی‌تر از همه نشانه‌های تحول در فصول زندگی انسان‌ها را دارد، زیرا علاوه بر بابائونل در دین مسیح نیزنهای دیگری نیز وجود دارد، که هیچ‌یک قدمت و پیشینه عمو نوروز ایران باستان را ندارد و نوید سال نو و بهاری تازه را می‌دهد.

آغاز هر فصلی در ملل جهان رنگ و بسوی ویژه خود را دارد که البته بستگی مستقیم با آداب و سنن و آیین آن قوم داشته و حس گرم و سرد وجودشان به ایجاد آن در زمانی مشخص انجامیده است. اگرچه فصل بهار در همه دنیا با نوید زندگی نو در قالب احساس عجین است اما بعضی از اقوام در اروپا فصل زمستان را برای ششروعی تازه بیشتر ترجیح می‌دهند اما اسمیل‌ها نیز همین گونه ساخته شده است؛ زیرا عمو نوروز یا ننه سرما با رفتن زمستان برای خداحافظی سراغ مردمی می‌آیند که آماده ورود به بهار هستند، در حالی که بابائونل با آغاز زمستان همخانه کسانی می‌شود که این فصل را سراغ از عید خود می‌دانند. نوروز یا آغاز بهار سال شمسی با اسمیل عمو نوروزش شناخته می‌شود که یکی از نمادهای آن در فولکلوریک فارس در وسعت ایران قدیم است و هم‌اکنون به دهها کشور تبدیل شده اما سنت‌های آن همچنان باقی است و در جامعه در نقش حاجی فیروز ظاهر می‌شود شب‌های آغاز این دهه بهاری حامل هدیه برای بچه‌هایی است که آن را در بی‌ایقت عیدی از بزرگ‌ترهایی ارتباط نمی‌دانند. از ویژگی‌های عمو نوروز می‌توان به زلف و ریش سفید یا حنا گذاشتن آن و کلاهی نمدی و کمربندی ابریشمی آن رنگ و همچنین شالی سفید، شالوری گشاد و گیوه‌های تخت نازک اشاره نمود که از دل کوه‌ها و از میان برف سفید عصابه‌دست به‌سوی شهرها و روستاها می‌آید و همچنان ایخند به لب دارد. استادان میر جلال کزازی می‌گویند: «اگر از من بپرسید که بابائونوز نماد چیست من به شما پاسخ می‌دهم که از نظر من بابائونوز، نماد زمان و به‌گونه‌ای یادآور «زوان» باستانی یا «زال» شاهنامه فردوسی است از این‌روست که پیری است بسیار سالخورده و گیسوان و ریشی بلند و انبوه و سفید که بانوی او ننه سرماست، چون او تنها یکبار در سال و در شب بازمی‌سپال این کهن بابائونوز را می‌بیند. پاسخ این پرسش آن است که با آمدن بابائونوز، ننه سرما به‌راستی به پایان زندگی خود می‌رسد، تو می‌گویی که دیدار با شوی گریزی‌ها برای او هم‌راه است با فرجام زندگی با مرگ و این دیدار، به‌بداری است مرگ آندود. «افسانه بابائونوز ننه سرما داستانی نمادین از گذر سرما و آمدن بهار در سال نو است که شباهت به فصل امیدهای تازه نیست. اما از سوی دیگر آغاز فصل زمستان است که نمادی دیگر در فرهنگ غرب است. نام بابائونل یا جشن زمستانی کریمس و تولد حضرت عیسی مسیح (ع) در آمیخته اما این اسمیل‌ها برای پیر مرد چاق با ریش سفید و بلند و لباس قرمز است که معمولاً یک کیسه پر از هدایا به همراه دارد و روز یا شب کریمس برای بچه‌ها سوغات می‌آورد. این باور وجود دارد که بابائونل بچه‌ها را به دسته‌های خوب و بد تقسیم می‌کند و برای کودکانی که رفتار نامناسبی در طول سال داشته‌اند هدایایی می‌آورد و همچنین داستانی وجود دارد مبنی بر اینکه این هدایا در کارگاه اسباب‌بازی‌سازی بابائونل در قطب شمال ساخته می‌شوند. در کشور‌های انگلیسی‌زبان به این شخصیت خیالی «انتانتا کلاوز» یا پدر کریمس، که برگرفته از کتیبه مسیحی نیکلاس قدیس است، گفته می‌شود. آنچه در این زمینه بیش از همه قابل توجه و تأمل است، اسمیل عمو نوروز است که تاریخی بس طولانی‌تر از همه نشانه‌های تحول در فصول زندگی انسان‌ها را دارد، زیرا علاوه بر بابائونل در دین مسیح نیزنهای دیگری نیز وجود دارد، که هیچ‌یک قدمت و پیشینه عمو نوروز ایران باستان را ندارد و نوید سال نو و بهاری تازه را می‌دهد.

آغاز هر فصلی در ملل جهان رنگ و بسوی ویژه خود را دارد که البته بستگی مستقیم با آداب و سنن و آیین آن قوم داشته و حس گرم و سرد وجودشان به ایجاد آن در زمانی مشخص انجامیده است. اگرچه فصل بهار در همه دنیا با نوید زندگی نو در قالب احساس عجین است اما بعضی از اقوام در اروپا فصل زمستان را برای ششروعی تازه بیشتر ترجیح می‌دهند اما اسمیل‌ها نیز همین گونه ساخته شده است؛ زیرا عمو نوروز یا ننه سرما با رفتن زمستان برای خداحافظی سراغ مردمی می‌آیند که آماده ورود به بهار هستند، در حالی که بابائونل با آغاز زمستان همخانه کسانی می‌شود که این فصل را سراغ از عید خود می‌دانند. نوروز یا آغاز بهار سال شمسی با اسمیل عمو نوروزش شناخته می‌شود که یکی از نمادهای آن در فولکلوریک فارس در وسعت ایران قدیم است و هم‌اکنون به دهها کشور تبدیل شده اما سنت‌های آن همچنان باقی است و در جامعه در نقش حاجی فیروز ظاهر می‌شود شب‌های آغاز این دهه بهاری حامل هدیه برای بچه‌هایی است که آن را در بی‌ایقت عیدی از بزرگ‌ترهایی ارتباط نمی‌دانند. از ویژگی‌های عمو نوروز می‌توان به زلف و ریش سفید یا حنا گذاشتن آن و کلاهی نمدی و کمربندی ابریشمی آن رنگ و همچنین شالی سفید، شالوری گشاد و گیوه‌های تخت نازک اشاره نمود که از دل کوه‌ها و از میان برف سفید عصابه‌دست به‌سوی شهرها و روستاها می‌آید و همچنان ایخند به لب دارد. استادان میر جلال کزازی می‌گویند: «اگر از من بپرسید که بابائونوز نماد چیست من به شما پاسخ می‌دهم که از نظر من بابائونوز، نماد زمان و به‌گونه‌ای یادآور «زوان» باستانی یا «زال» شاهنامه فردوسی است از این‌روست که پیری است بسیار سالخورده و گیسوان و ریشی بلند و انبوه و سفید که بانوی او ننه سرماست، چون او تنها یکبار در سال و در شب بازمی‌سپال این کهن بابائونوز را می‌بیند. پاسخ این پرسش آن است که با آمدن بابائونوز، ننه سرما به‌راستی به پایان زندگی خود می‌رسد، تو می‌گویی که دیدار با شوی گریزی‌ها برای او هم‌راه است با فرجام زندگی با مرگ و این دیدار، به‌بداری است مرگ آندود. «افسانه بابائونوز ننه سرما داستانی نمادین از گذر سرما و آمدن بهار در سال نو است که شباهت به فصل امیدهای تازه نیست. اما از سوی دیگر آغاز فصل زمستان است که نمادی دیگر در فرهنگ غرب است. نام بابائونل یا جشن زمستانی کریمس و تولد حضرت عیسی مسیح (ع) در آمیخته اما این اسمیل‌ها برای پیر مرد چاق با ریش سفید و بلند و لباس قرمز است که معمولاً یک کیسه پر از هدایا به همراه دارد و روز یا شب کریمس برای بچه‌ها سوغات می‌آورد. این باور وجود دارد که بابائونل بچه‌ها را به دسته‌های خوب و بد تقسیم می‌کند و برای کودکانی که رفتار نامناسبی در طول سال داشته‌اند هدایایی می‌آورد و همچنین داستانی وجود دارد مبنی بر اینکه این هدایا در کارگاه اسباب‌بازی‌سازی بابائونل در قطب شمال ساخته می‌شوند. در کشور‌های انگلیسی‌زبان به این شخصیت خیالی «انتانتا کلاوز» یا پدر کریمس، که برگرفته از کتیبه مسیحی نیکلاس قدیس است، گفته می‌شود. آنچه در این زمینه بیش از همه قابل توجه و تأمل است، اسمیل عمو نوروز است که تاریخی بس طولانی‌تر از همه نشانه‌های تحول در فصول زندگی انسان‌ها را دارد، زیرا علاوه بر بابائونل در دین مسیح نیزنهای دیگری نیز وجود دارد، که هیچ‌یک قدمت و پیشینه عمو نوروز ایران باستان را ندارد و نوید سال نو و بهاری تازه را می‌دهد.

آغاز هر فصلی در ملل جهان رنگ و بسوی ویژه خود را دارد که البته بستگی مستقیم با آداب و سنن و آیین آن قوم داشته و حس گرم و سرد وجودشان به ایجاد آن در زمانی مشخص انجامیده است. اگرچه فصل بهار در همه دنیا با نوید زندگی نو در قالب احساس عجین است اما بعضی از اقوام در اروپا فصل زمستان را برای ششروعی تازه بیشتر ترجیح می‌دهند اما اسمیل‌ها نیز همین گونه ساخته شده است؛ زیرا عمو نوروز یا ننه سرما با رفتن زمستان برای خداحافظی سراغ مردمی می‌آیند که آماده ورود به بهار هستند، در حالی که بابائونل با آغاز زمستان همخانه کسانی می‌شود که این فصل را سراغ از عید خود می‌دانند. نوروز یا آغاز بهار سال شمسی با اسمیل عمو نوروزش شناخته می‌شود که یکی از نمادهای آن در فولکلوریک فارس در وسعت ایران قدیم است و هم‌اکنون به دهها کشور تبدیل شده اما سنت‌های آن همچنان باقی است و در جامعه در نقش حاجی فیروز ظاهر می‌شود شب‌های آغاز این دهه بهاری حامل هدیه برای بچه‌هایی است که آن را در بی‌ایقت عیدی از بزرگ‌ترهایی ارتباط نمی‌دانند. از ویژگی‌های عمو نوروز می‌توان به زلف و ریش سفید یا حنا گذاشتن آن و کلاهی نمدی و کمربندی ابریشمی آن رنگ و همچنین شالی سفید، شالوری گشاد و گیوه‌های تخت نازک اشاره نمود که از دل کوه‌ها و از میان برف سفید عصابه‌دست به‌سوی شهرها و روستاها می‌آید و همچنان ایخند به لب دارد. استادان میر جلال کزازی می‌گویند: «اگر از من بپرسید که بابائونوز نماد چیست من به شما پاسخ می‌دهم که از نظر من بابائونوز، نماد زمان و به‌گونه‌ای یادآور «زوان» باستانی یا «زال» شاهنامه فردوسی است از این‌روست که پیری است بسیار سالخورده و گیسوان و ریشی بلند و انبوه و سفید که بانوی او ننه سرماست، چون او تنها یکبار در سال و در شب بازمی‌سپال این کهن بابائونوز را می‌بیند. پاسخ این پرسش آن است که با آمدن بابائونوز، ننه سرما به‌راستی به پایان زندگی خود می‌رسد، تو می‌گویی که دیدار با شوی گریزی‌ها برای او هم‌راه است با فرجام زندگی با مرگ و این دیدار، به‌بداری است مرگ آندود. «افسانه بابائونوز ننه سرما داستانی نمادین از گذر سرما و آمدن بهار در سال نو است که شباهت به فصل امیدهای تازه نیست. اما از سوی دیگر آغاز فصل زمستان است که نمادی دیگر در فرهنگ غرب است. نام بابائونل یا جشن زمستانی کریمس و تولد حضرت عیسی مسیح (ع) در آمیخته اما این اسمیل‌ها برای پیر مرد چاق با ریش سفید و بلند و لباس قرمز است که معمولاً یک کیسه پر از هدایا به همراه دارد و روز یا شب کریمس برای بچه‌ها سوغات می‌آورد. این باور وجود دارد که بابائونل بچه‌ها را به دسته‌های خوب و بد تقسیم می‌کند و برای کودکانی که رفتار نامناسبی در طول سال داشته‌اند هدایایی می‌آورد و همچنین داستانی وجود دارد مبنی بر اینکه این هدایا در کارگاه اسباب‌بازی‌سازی بابائونل در قطب شمال ساخته می‌شوند. در کشور‌های انگلیسی‌زبان به این شخصیت خیالی «انتانتا کلاوز» یا پدر کریمس، که برگرفته از کتیبه مسیحی نیکلاس قدیس است، گفته می‌شود. آنچه در این زمینه بیش از همه قابل توجه و تأمل است، اسمیل عمو نوروز است که تاریخی بس طولانی‌تر از همه نشانه‌های تحول در فصول زندگی انسان‌ها را دارد، زیرا علاوه بر بابائونل در دین مسیح نیزنهای دیگری نیز وجود دارد، که هیچ‌یک قدمت و پیشینه عمو نوروز ایران باستان را ندارد و نوید سال نو و بهاری تازه را می‌دهد.

آغاز هر فصلی در ملل جهان رنگ و بسوی ویژه خود را دارد که البته بستگی مستقیم با آداب و سنن و آیین آن قوم داشته و حس گرم و سرد وجودشان به ایجاد آن در زمانی مشخص انجامیده است. اگرچه فصل بهار در همه دنیا با نوید زندگی نو در قالب احساس عجین است اما بعضی از اقوام در اروپا فصل زمستان را برای ششروعی تازه بیشتر ترجیح می‌دهند اما اسمیل‌ها نیز همین گونه ساخته شده است؛ زیرا عمو نوروز یا ننه سرما با رفتن زمستان برای خداحافظی سراغ مردمی می‌آیند که آماده ورود به بهار هستند، در حالی که بابائونل با آغاز زمستان همخانه کسانی می‌شود که این فصل را سراغ از عید خود می‌دانند. نوروز یا آغاز بهار سال شمسی با اسمیل عمو نوروزش شناخته می‌شود که یکی از نمادهای آن در فولکلوریک فارس در وسعت ایران قدیم است و هم‌اکنون به دهها کشور تبدیل شده اما سنت‌های آن همچنان باقی است و در جامعه در نقش حاجی فیروز ظاهر می‌شود شب‌های آغاز این دهه بهاری حامل هدیه برای بچه‌هایی است که آن را در بی‌ایقت عیدی از بزرگ‌ترهایی ارتباط نمی‌دانند. از ویژگی‌های عمو نوروز می‌توان به زلف و ریش سفید یا حنا گذاشتن آن و کلاهی نمدی و کمربندی ابریشمی آن رنگ و همچنین شالی سفید، شالوری گشاد و گیوه‌های تخت نازک اشاره نمود که از دل کوه‌ها و از میان برف سفید عصابه‌دست به‌سوی شهرها و روستاها می‌آید و همچنان ایخند به لب دارد. استادان میر جلال کزازی می‌گویند: «اگر از من بپرسید که بابائونوز نماد چیست من به شما پاسخ می‌دهم که از نظر من بابائونوز، نماد زمان و به‌گونه‌ای یادآور «زوان» باستانی یا «زال» شاهنامه فردوسی است از این‌روست که پیری است بسیار سالخورده و گیسوان و ریشی بلند و انبوه و سفید که بانوی او ننه سرماست، چون او تنها یکبار در سال و در شب بازمی‌سپال این کهن بابائونوز را می‌بیند. پاسخ این پرسش آن است که با آمدن بابائونوز، ننه سرما به‌راستی به پایان زندگی خود می‌رسد، تو می‌گویی که دیدار با شوی گریزی‌ها برای او هم‌راه است با فرجام زندگی با مرگ و این دیدار، به‌بداری است مرگ آندود. «افسانه بابائونوز ننه سرما داستانی نمادین از گذر سرما و آمدن بهار در سال نو است که شباهت به فصل امیدهای تازه نیست. اما از سوی دیگر آغاز فصل زمستان است که نمادی دیگر در فرهنگ غرب است. نام بابائونل یا جشن زمستانی کریمس و تولد حضرت عیسی مسیح (ع) در آمیخته اما این اسمیل‌ها برای پیر مرد چاق با ریش سفید و بلند و لباس قرمز است که معمولاً یک کیسه پر از هدایا به همراه دارد و روز یا شب کریمس برای بچه‌ها سوغات می‌آورد. این باور وجود دارد که بابائونل بچه‌ها را به دسته‌های خوب و بد تقسیم می‌کند و برای کودکانی که رفتار نامناسبی در طول سال داشته‌اند هدایایی می‌آورد و همچنین داستانی وجود دارد مبنی بر اینکه این هدایا در کارگاه اسباب‌بازی‌سازی بابائونل در قطب شمال ساخته می‌شوند. در کشور‌های انگلیسی‌زبان به این شخصیت خیالی «انتانتا کلاوز» یا پدر کریمس، که برگرفته از کتیبه مسیحی نیکلاس قدیس است، گفته می‌شود. آنچه در این زمینه بیش از همه قابل توجه و تأمل است، اسمیل عمو نوروز است که تاریخی بس طولانی‌تر از همه نشانه‌های تحول در فصول زندگی انسان‌ها را دارد، زیرا علاوه بر بابائونل در دین مسیح نیزنهای دیگری نیز وجود دارد، که هیچ‌یک قدمت و پیشینه عمو نوروز ایران باستان را ندارد و نوید سال نو و بهاری تازه را می‌دهد.

* روزنامه‌نگار پیشگسوت

آگهی تاسیس موسسه غیر تجاری راهبردهای طلایی سی صد سیزده ظهور در تاریخ ۱۳۹۷/۱۱/۳۰ به شماره ثبت ۴۱۷۵ به شناسه ملی ۰۰۸۱۶۲۰۵۵

ثبت و امضاء ذیل دفتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد. موضوع: انجام فعالیت‌هایی برای گسترش و ترویج فرهنگ مطالعه و کتابخوانی، آموزش و ترویج شیوه مطالعه و فضای مناسب برای مطالعه، طراحی و با ایجاد کتابخانه برای سازمانها و موسسات شماره مجوز ۹۷/۱۰/۱۵۲۱۴ به تاریخ مجوز ۱۳۹۷/۱۰/۲۶ اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان البرز مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان البرز، شهرستان کرج، بخش مرکزی، شهر کرج، گلشهر ویلا، خیابان فردوسی، بلوار ایثار (درختی)، پلاک ۲۶۸، ساختمان بزرگمهر، طبقه چهارم، واحد ۱۶ کنپستی ۳۱۳۹۶۳۸۶ سرمایه شخصیت حقوقی: ۷۰۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. اسامی و میزان سهم الشرکه: خانم ترگس صباغ زیارتانی به شماره ملی ۰۰۱۴۲۷۱۴۱۹ به شماره ملی ۱۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه آقای عمیم صباغ زیارتانی به شماره ملی ۰۰۸۲۳۵۶۲۱ دارنده ۹۹۰۰۰۰ ریال سهم الشرکه اولین مدیران: خانم ترگس صباغ زیارتانی به شماره ملی ۰۰۱۴۲۷۱۴۱۹ و به سمت رئیس هیئت مدیره به مدت ۵ سال آقای عمیم صباغ زیارتانی به شماره ملی ۰۰۸۲۳۵۶۲۱ و به سمت مدیرعامل و به سمت عضو هیئت مدیره به مدت ۵ سال دارندگان حق امضاء: کلیه اوراق و اسناد بهاتار و تعهدآور موسسه از قبیل چک، سفته، برات، قراردادها، عقود اسلامی با امضاء آقای عمیم صباغ زیارتانی به همراه یا مهر موسسه معتبر می‌باشد و اوراق عادی با امضای یکی از دو نفر و مهر موسسه معتبر می‌باشد اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه

ش ۹۷۱۹۶/۳۱۴۱۹۶/۱۳۰۰۷۶۳۱۴۱۹۷ اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری کرج

آگهی تغییرات شرکت سیمای هنر ایرانیان موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۱۸۸۱ موسسه غیر تجاری به شماره ثبت ۱۹۰۰۴۵۱۹۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۷/۹/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - خانم سمیرا تکلو به کدملی ۰۰۴۲۷۸۴۱۳ به سمت مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره و آقای مجید تکلو به کدملی ۰۰۵۷۴۹۲۱۳ به سمت قائم مقام مدیرعامل و عضو هیئت مدیره برای مدت یکسال انتخاب گردیدند. - امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور موسسه از قبیل چک و سفته و برات و قراردادها و عقود اسلامی و مکاتبات با امضای مدیرعامل و یا قائم مقام مدیرعامل همراه با مهر موسسه معتبر می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین وضعیت حق امضاء، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره انتخاب شده توسط مناقضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان البرز اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری کرج

آگهی ابلاغ وقت رسیدگی

نظر به اینکه رضا محمدحسینی با وکالت حبیب اله ملایبی دادخواستی بطرفیت خوانده هادی کیانی تقدیم و به کلاسه ۱۳۹۷/۲۷/۶۶ این حوزه ثبت و وقت رسیدگی آن برای روز یکشنبه تاریخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۵ ساعت ۱۰ تعیین گردیده با توجه با اینکه آدرس خوانده مشخص نیست لذا به استناد ماده ۷۳ قانون آیین دادرسی مدنی از طریق نشر آگهی وقت رسیدگی ابلاغ می‌گردد.

م الف: ۱۹۸ / حوزه ۲ شورای حل اختلاف شهر اهرم – مدیر دفتر شعبه ۲ شفعی

آگهی

چون نظر به آرا صادره از هیات موضوع قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مستقر در ثبت اسناد و املاک شهرستان خنداب در اجرای بند دو ماده هفده قانون حسب مورد رای بر صدور سند مالکیت عرضه و لعیان صادره تا اداره ثبت مطابق مقررات نسبت به صدور سند مالکیت اقدام نماید. لذا در اجرای ماده ۱۰ اجرای آیین نامه قانون مذکور آرا صادره مربوط به شهرها برای یک نوبت منتشر تا چنانچه اشخاصی نسبت به اصل اعتراض دارند ظرف بیست روز از تاریخ انتشار آگهی باید اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت محل تسلیم و ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و اعتراض تقدیم دادخواست را به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم نمایند، بدیهی است در صورت عدم وصول گواهی در موعد مقرر و یا تح